

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۷۷-۹۲

تحلیل عاملی راهکارهای بهبود توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار

روستایی: مطالعه موردی شهرستان شیروان

جعفر یعقوبی، مریم زیارتی، و علی شمس*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۶

چکیده

تحقیق توصیفی-همبستگی حاضر با هدف بررسی راهکارهای ارتقای توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی انجام شد. جامعه آماری تحقیق را ۳۲۸۷ نفر از زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان شیروان تشکیل می‌دادند که ۱۲۰ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با استفاده از رابطه کوکران به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. روایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرات پانل اعضای هیئت علمی ارتقا یافت و در نهایت، تأیید شد. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق، از پیش‌آزمون پرسشنامه و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد، که مقدار آن بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۱ به دست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی پردازش شدند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین دلیل سرپرست شدن زنان مورد مطالعه فوت همسر بود. ۴۴/۲۰ درصد از پاسخ‌گویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، ۵/۸۰ درصد تحت پوشش بهزیستی و پنجاه درصد تحت پوشش هیچ‌کدام از نهادهای حمایتی نبودند. با استفاده از تحلیل عاملی، راهکارهای بهبود توانمندی شغلی در چهار عامل آموزشی-حمایتی، فردی-روان‌شناختی، تأمین مسکن،

* به ترتیب، نویسنده مسئول و دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان (Yaghobi@znu.ac.ir); دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان؛ و استادیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان.

و ضمانت و آموزش شغلی از طریق نهادهای حمایتی و بیمه اجتماعی و درمانی خلاصه شدند که در مجموع، ۶۰/۴۲ درصد از کل واریانس راهکارهای بهبود توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی را تبیین کردند.

کلیدواژه‌ها: توانمندی شغلی، زنان روستایی، اشتغال، روستا، شیروان (شهرستان).

مقدمه

زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. زنان یک‌سوم نیروی کار رسمی جهان را تشکیل می‌دهند؛ در کارهایی که اشتغال دارند، پایین‌ترین دستمزد به آنها پرداخت می‌شود و بیش از مردان نسبت به بیکاری آسیب‌پذیرند. پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته است، بر نسبت بالای تعداد زنان زیر خط فقر به‌ویژه فقر شدید زنان سرپرست خانوار تأکید دارد. وضعیت بد اقتصادی موجب شده است که چه زنان سرپرست خانوار و چه فرزندان آنها از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی باشند (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸).

نداشتن یا از دست دادن شغل اثرات بسیار منفی بر روحیه و رفتار انسان‌ها دارد. از دست دادن درآمد به تغییراتی غم‌انگیز در شیوه و گذران زندگی انسان‌ها می‌انجامد. برای بسیاری از مردم، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار، از دست دادن یا نداشتن شغل به معنی از دست دادن خانه و کاشانه و سایر دارایی‌های باارزش آنهاست (شبانعلی‌فمی و همکاران، ۱۳۸۸). اشتغال زنان برای کاهش فقر و بهبود وضعیت آنها بسیار مهم است (Srivastava and Srivastava, 2009).

شرایط اقتصادی ایران، گذر از اقتصاد تک‌محصولی و توجه به بهره‌مندی بهینه از منابع طبیعی، انسانی، تولیدی و خدماتی در بخش‌های مختلف اقتصادی را ضروری می‌سازد. تجارب کشورها حاکی از آن است که اکثر آنها به‌منظور توسعه اقتصادی و نیز برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی تلاش کرده‌اند که آمادگی‌های شغلی را در زنان برای ورود به بازار کار از طریق ارائه آموزش‌های روان‌شناختی و ایجاد مهارت‌های کسب‌وکار در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و فضایی مناسب را برای توسعه آن

ایجاد کنند و در کنار آن، به تقویت نقش زنان در مهارت‌های کسب‌وکار و فعالیت‌های کارآفرینی پردازند (طباطبایی یحیی‌آبادی و حسینیان، ۱۳۸۴). از طرف دیگر، حمایت‌های مستقیم مالی و اقتصادی از زنان سرپرست خانوار دستاوردهای مورد انتظار را به همراه نداشته است. بنابراین، امروزه، توانمندسازی این قشر از افراد و خانوارها بیشتر مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفته است (شبانعلی‌فمی و همکاران، ۱۳۸۸). توانمندسازی زنان در قالب یک هدف سیاستی وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه است (Ashraf et al., 2010). در واقع، توانمندسازی زنان پیش‌شرط ضروری برای از بین بردن فقر در جهان و حمایت از حقوق بشر نیز محسوب می‌شود (Parveen and Leonhäuser, 2004). بنابراین، در خانواده‌های زنان سرپرست خانوار، که زن هسته مرکزی خانوار تلقی شده و بار اصلی مسئولیت‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده بر عهده اوست، توانمندسازی زنان زمینه‌ساز رفع فقر و محرومیت از آنهاست. شناسایی شاخص‌های توانمندسازی و نیازهای این قشر یکی از راه‌های کلیدی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای پیشگیری از آسیب‌پذیری این قشر از جامعه خواهد بود (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸).

توانمندسازی زنان در خانواده‌های دارای سرپرست زن یکی از مؤلفه‌های اساسی برنامه‌های امرار معاش پایدار تلقی می‌شود. در صورت تأمین شرایط توانمندسازی و آزادی زنان، اشتغال فرصتی برای بهبود رفاه و بالا بردن توانایی‌های آنها خواهد بود (Srivastava and Srivastava, 2009).

بر اساس آخرین بررسی‌های مرکز آمار ایران، از میان ۳۹۲ شهر کشور، وضعیت بیکاری زنان فقط در ۱۰۳ شهر پایین‌تر از پانزده درصد بوده و حدود ۲۹۰ شهر نیز در وضعیت نامناسب قرار دارند و زنان از موقعیت‌های مناسب برای ورود به بازار کار برخوردار نیستند. زنان در خراسان شمالی فقط ۲۵ درصد از فرصت‌های شغلی را در اختیار دارند و نرخ بیکاری در این خطه از کشور با بیش از ۹۰۰ هزار نفر جمعیت ۱۳/۲ درصد برآورد شده، که نسبت به میانگین کشوری دو درصد بالاتر است. در این

استان، بالاترین نرخ بیکاری زنان نیز برای شهر شیروان با ۲۷/۶ درصد به ثبت رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳). این آمارها نشان‌دهنده شدت بیشتر مسئله بیکاری زنان روستایی در استان خراسان شمالی به‌طور کلی و شهرستان شیروان به‌طور ویژه است. از آنجا که کاهش نرخ بیکاری زنان روستایی در شهرستان شیروان افزایش توانمندی شغلی آنها بسیار اهمیت دارد، تحقیق حاضر به‌دنبال شناسایی راهکارهای بهبود توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی در این شهرستان است.

چرمچیان لنگرودی و علی‌بیگی (۱۳۹۲) راهکارهای مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی را دادن وام و اعتبارات به زنان روستایی، شرکت در کلاس‌های ترویجی آموزشی، پس‌انداز جمعی پول، بالا بردن مهارت‌های زنان، انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی و آگاه بودن زنان از جامعه خود برشمرده‌اند.

مرشدی و کاظمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که تهیه برنامه‌های تلویزیونی متناسب با توانمندسازی زنان روستایی، استفاده از کارگاه آموزشی، و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات که به‌کارگیری آنها از سوی زنان روستایی مقرون به‌صرفه‌تر است، از راهکارهای ارتقای توانمندسازی زنان روستایی به‌شمار می‌روند.

اعظمی و سلامی (۱۳۹۰) نشان دادند که آموزش فرایندهای حل مسئله، شناخت و یادگیری جمعی از طریق داستان‌گویی و آموزش مهارت‌های پشتیبانی از جمله راهکارهای توانمندسازی زنان محسوب می‌شوند و آموزش مهارت‌های حل مسئله نسبت به راهکارهای دیگر توانمندسازی اولویت دارد.

قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) در پژوهش خود، گسترش فضاهای کارآموزی و کارآفرینی، گسترش و ایجاد بازارهای فروش و عرضه تولیدات زنان سرپرست خانوار، دسترسی زنان سرپرست خانوار به منابع و تسهیلات مالی و اعتباری، اشتغال زنان سرپرست خانوار، آموزش مهارت‌های زندگی شغلی، کارآفرینی و اشتغال‌خانگی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و تعاونی‌های فعال در حوزه حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را از راهکارهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دانسته‌اند.

کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) برگزاری کلاس‌های آموزشی برای افزایش میزان سواد زنان و بالا بردن شناخت زنان از نیازها و توانایی‌های خود، تسهیل عضویت زنان در تعاونی‌های تولیدی و شوراهای اسلامی و همچنین، برگزاری برنامه‌هایی به منظور افزایش آگاهی اجتماعی زنان روستایی را از جمله راهکارهای توانمندسازی زنان برشمرده‌اند.

نیک‌نامی و همکاران (۱۳۹۱)، بر اساس نتایج مطالعه خود، راهکارهای ارتقای توانمندی اقتصادی اعضای تعاونی روستایی زنان را تقویت روحیه کارآفرینی در اعضای تعاونی از طریق راه‌اندازی دوره‌های کوتاه‌مدت در زمینه شناسایی فرصت‌های شغلی و چگونگی راه‌اندازی کسب‌وکار، برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه بازاریابی و تولید محصولات کشاورزی و نهاده‌های موردنیاز روستاییان بیان کرده‌اند.

در پژوهشی دیگر، طباطبایی یحیی‌آبادی و حسینیان (۱۳۸۴) اجرای برنامه‌های آموزشی مفید و مؤثر برای زنان سرپرست خانواده، اتخاذ سیاست‌های دولتی مناسب به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان، ایجاد امکانات برای زنان به منظور دسترسی به اطلاعات، تخصیص و تأمین منابع مالی در راستای ترغیب و تشویق زنان کارآفرین به ایجاد مؤسسات کارآفرینی، توسعه آموزش‌های کارآفرینی و دسترسی زنان و دختران به فناوری اطلاعات، ارائه آموزش‌های عمومی و تخصصی کسب‌وکار و خدمات حمایتی را از مهم‌ترین راهکارهای توانمندسازی و آماده‌سازی زنان دانسته‌اند.

بر اساس نتایج مطالعه آیت و اعظمیان (۱۳۹۰)، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در افزایش توانمندی زنان روستایی مؤثر است. قاسمی و خانی (۱۳۸۸) نیز از جمله راهکارهای مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را بیمه کردن زنان سرپرست خانوار، شناسایی فرزندان زنان سرپرست خانوار در سطح مدارس، تهیه خانه‌هایی با قیمت مناسب برای زنان سرپرست خانوار توسط نهادهای دولتی، ایجاد مراکز فنی و حرفه‌ای مخصوص زنان سرپرست خانوار، شناسایی مشکلات زنان سرپرست خانوار توسط متخصصان حوزه زنان و ایجاد مراکز روان‌شناسی و مشاوره‌ای رایگان در سطح شهر برای خدمات‌دهی به زنان سرپرست خانوار ذکر کرده‌اند.

نجفی قرقانی و حیاتی (۱۳۸۸) در تحقیقی اعطای تسهیلات اعتباری در قالب وام‌های کم‌بهره به بافندگان فرش، تشویق زنان به عضویت در شرکت تعاونی فرش دستبافت، فراهم‌سازی بازید زنان عضو شرکت از شرکت‌های تعاونی موفق، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای اعضا در زمینه آشنایی با اهداف، فلسفه و اصول شرکت تعاونی، برپایی نمایشگاه‌های فرش به‌منظور نمایش تولیدات زنان روستایی با هدف رونق صادرات فرش و آشنا شدن بافندگان با فناوری‌های بافت فرش را از راهکارهای مؤثر بر توانمندسازی زنان قالی‌باف بیان کرده‌اند.

فنی (۱۳۹۱) در پژوهش خود ایجاد تعاونی بزرگ و منسجم با عنوان «تعاونی زنان خوداشتغال» را راهکاری برای افزایش توانمندسازی شغلی زنان پیشنهاد می‌کند.

احمدی (۱۳۸۵) تقویت اعتماد به نفس در مدیران زن را از راهکارهای ارتقای توانمندی مدیریتی زنان گزارش کرده است.

به باور شریفی و همکاران (۱۳۸۸)، بررسی راهکارهای مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار در مناطق روستایی نشان می‌دهد که ایجاد تنوع شغلی در محیط‌های روستایی، توسعه بیمه زنان سرپرست شاغل توسط مسئولان و توجه به فرایندهای فعال مددکاری پیش از اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی برای زنان سرپرست خانوار در توانمندسازی زنان روستایی مؤثرند.

کیمیایی (۱۳۹۰) برگزاری دوره‌های ارتقای سلامت روان (کیفیت زندگی برای مددجویان)، بازاریابی محصولات مددجویان زنان سرپرست خانوار و خرید تضمینی محصولات تولیدی توسط زنان را از جمله راهکارهای ارتقای توانمندی زنان سرپرست خانوار گزارش کرده است.

زمانی میاندستی و همکاران (۱۳۹۱) نیز برگزاری کلاس‌های آموزشی با هدف بالا بردن دانش زنان در زمینه نیازها و توانایی‌های خود و جامعه را در راستای افزایش توانمندی زنان روستایی پیشنهاد کرده‌اند.

در مطالعه توانمندسازی و فقر در مناطق روستایی، یافته‌ها نشان داد که دستیابی به تحصیلات رابطه مثبت با سطح توانمندسازی دارد و یک ارتباط مثبت بین توانمندسازی و فقر وجود دارد؛ همچنین، افزایش توانمندی به خودی خود منجر به بهبود معیشت اقتصادی نمی‌شود و سیاست و برنامه‌ها باید با هدف کاهش ابعاد سیاسی و اجتماعی محرومیت تعریف شوند (Mehchy and kabbani, 2013).

بر پایه نتایج مطالعه‌ای با عنوان تأثیر کسب‌وکار شخصی بر توانمندسازی زنان، داشتن کسب‌وکار شخصی اثرات مثبت به‌ویژه برای زنان دارای قدرت تصمیم‌گیری پایین‌تر از سطح متوسط دارد و منجر به تغییراتی در اهداف پایدار متمایل به زنان می‌شود (Ashraf et al., 2010).

بر پایه نتایج بررسی عوامل مرتبط با توانمندسازی زنان در مناطق روستایی بنگلادش با استفاده از مؤلفه‌های مشارکت در تصمیم‌گیری، آزادی تحرک، اعتماد به نفس و کنترل بر منابع اندازه‌گیری، رابطه میزان استفاده از تلویزیون و تحصیلات زنان با یکی از دو شاخص اعتماد به نفس و آزادی تحرک بوده و میزان ثروت خانواده نیز دارای ارتباط مثبت و معنی‌دار با کنترل بر منابع زنان است (Mahmud et al., 2012).

نتایج مطالعه‌ای در زمینه تأثیر برنامه‌های رادیویی بر توانمندی زنان روستایی نشان داد که پخش برنامه‌های رادیویی به زبان بومی بر توانمندسازی زنان مکزیکی تأثیر معنی‌دار داشته است (Calleja, 2002).

نتایج بررسی تأثیر ارائه اعتبارات خرد به‌عنوان عامل کاهش فقر و توانمندسازی زنان روستایی در بنگلادش نشان داد که عوامل اقتصادی-اجتماعی، مشارکت سازمانی زنان، قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها و دارایی‌های خانواده برای توانمندسازی زنان بسیار اهمیت دارند و استفاده از اعتبارات خرد توسط زنان و مدت زمان استفاده از اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان مؤثرند (Hoque and Itohara, 2009).

بر پایه نتایج بررسی مطالعات صورت‌گرفته در زمینه توانمندی زنان روستایی، اغلب این مطالعات به سنجش میزان توانمندی زنان روستایی و عوامل مرتبط با آن پرداخته و

در آنها عوامل دارای رابطه معنی دار و مؤثر بر میزان توانمندسازی زنان روستایی شناسایی شده‌اند. این نتایج نشان می‌دهند که مطالعه اندکی در زمینه شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای توانمندسازی شغلی زنان انجام شده است. از این‌رو، تحقیق حاضر سعی دارد با شناسایی و تخلیص این راهکارها به غنای تحقیقات در زمینه توانمندسازی زنان روستایی کمک کند.

بررسی راهکارهای مؤثر بر توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی به‌منظور دستیابی به الگوی مناسب توانمندی شغلی آنها از ضرورت‌های اساسی است. با شناخت راهکارهای مؤثر در دستیابی زنان سرپرست خانوار روستایی به توانمندی شغلی می‌توان برنامه‌ریزان و متصدیان را در بازشناسی و تدوین سیاست‌ها و افزایش کارایی برنامه‌های اشتغال زنان سرپرست خانوار روستایی یاری رساند. پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که «راهکارهای مؤثر بر توانمندی شغلی زنان کدامند؟». بررسی حاضر به دنبال پاسخ‌گویی بدین پرسش از دید زنان سرپرست خانوار روستایی در شهرستان شیروان بوده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر امکان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی است و از نظر هدف نیز از نوع کاربردی به‌شمار می‌آید؛ همچنین، از نظر روش گردآوری داده‌های مورد نیاز از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری تحقیق کلیه زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان شیروان در استان خراسان شمالی را دربرمی‌گرفت که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ کشوری، تعداد کل آنها ۳۲۸۷ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از رابطه کوکران ۱۲۰ برآورد شد. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ در مرحله اول، دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان به عنوان خوشه انتخاب شدند و در مرحله دوم، روستاهای هر دهستان به عنوان خوشه دوم و در نهایت، داخل هر روستا زنان سرپرست به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی ابزار با استفاده از پانل اعضای هیئت علمی و لحاظ اصلاحات مورد نظر آنها تأیید شد. برای تعیین پایایی، از پیش‌آزمون پرسشنامه توسط سی نفر از زنان روستایی در روستاهای خارج از نمونه آماری در شهرستان شیروان استفاده و ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه محاسبه شد. مقدار این ضریب برای بخش‌های مختلف بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۱ به دست آمد، که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ تحلیل شد. در تحقیق حاضر، برای تعیین میزان اهمیت هر کدام از راهکارهای مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی از آمارهای توصیفی میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات استفاده شد. در بخش استنباطی نیز برای تخلیص متغیرها و تشکیل عامل‌های کلی، از روش تحلیل عاملی اکتشافی با رویکرد کاهش متغیرها بهره‌گیری شد.

نتایج و بحث

میانگین سن زنان سرپرست خانوار مورد بررسی ۳۹/۹۸ سال با انحراف معیار ۱۰/۴۰ سال بود. ۴۲/۲۰ درصد از پاسخ‌گویان بین هفده تا ۳۷ سال سن داشتند و ۵۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان بالاتر از ۳۷ سال داشتند. میانگین سابقه سرپرستی خانوار زنان مورد بررسی ۸/۵۹ سال با انحراف معیار ۷/۲۷ سال بود؛ ۴۹/۲۰ درصد از پاسخ‌گویان کمتر از شش سال و ۵۰/۸۰ درصد بقیه بالای شش سال سابقه سرپرستی داشتند.

میانگین بعد خانوار زنان مورد بررسی ۲/۹۳ نفر با انحراف معیار ۱/۵۰ نفر بود. چهل درصد از پاسخ‌گویان کمتر از دو نفر و شصت درصد بقیه بالای دو نفر را تحت سرپرستی داشتند. زنان سرپرست خانوار مورد بررسی به‌طور متوسط ۵/۰۱ با انحراف معیار ۳/۶۹ کلاس سواد داشتند. بیست درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد، ۴۵/۸۰ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۲/۵۰ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان بوده و تنها ۱/۷ درصد تحصیلات بالای دیپلم داشتند. علت سرپرستی زنان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی زنان سرپرست خانوار بر اساس علت سرپرستی

درصد فراوانی	فراوانی	علت سرپرستی
۴۰/۸۳	۴۹	فوت همسر
۱۳/۳۳	۱۶	طلاق
۱۰/۸۳	۱۳	اعتیاد همسر
۸/۳۳	۱۰	مریضی همسر
۸/۳۳	۱۰	ترک همسر بدون طلاق
۷/۵۰	۹	زندانی بودن همسر
۵/۸۳	۷	ازکارافتادگی همسر
۵/۰۰	۶	سایر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، ۴۰/۸۳ درصد از زنان سرپرست خانوار به علت فوت همسر، ۱۳/۳۳ درصد به علت طلاق و ۱۰/۸۳ درصد به علت اعتیاد همسر سرپرستی خانواده را بر عهده گرفته بودند. همچنین، ۴۴/۲۰ درصد از پاسخ‌گویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و ۵/۸۰ درصد تحت پوشش بهزیستی بودند و پنجاه درصد بقیه تحت پوشش هیچ‌کدام از نهادهای حمایتی نبودند. ۱۹/۲۰ درصد از پاسخ‌گویان دارای مشاغل فصلی، ۳۱ درصد دارای مشاغل ثابت و ۴۹/۸۰ درصد بقیه فاقد شغل و خانه‌دار بودند. ۹۰/۸۰ درصد از پاسخ‌گویان بیمه عمر نداشتند و تنها ۹/۲۰ درصد دارای بیمه عمر بودند.

مهم‌ترین راهکارهای افزایش توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار با استفاده از طیف پنج‌سطحی لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. برای خلاصه‌سازی و دسته‌بندی این راهکارها از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. به منظور بررسی مناسب بودن داده‌های گردآوری‌شده برای استفاده از فن تحلیل عاملی راهکارهای افزایش توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی از ضریب KMO استفاده شد و مقدار آن ۰/۸۱۸ به دست آمد و مقدار آماره بارتلت نیز ۷۲۶/۰۸۵ بود، که در سطح $p=0/01$ معنی‌دار بود. در نتیجه، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. در جدول ۲ شمار عامل‌های استخراج‌شده همراه با مقادیر ویژه هر کدام از آنها، درصد واریانس هر عامل و درصد تجمعی واریانس‌های عامل‌ها آمده است.

جدول ۲- عامل‌های استخراج‌شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
آموزشی-حمایتی	۳/۶۶	۲۲/۸۵	۲۲/۸۵
فردی- روان‌شناختی	۲/۲۶	۱۴/۱۵	۳۷/۰۱
تأمین مسکن، ضمانت و آموزش شغلی از نهادهای حمایتی	۲/۰۴	۱۲/۷۶	۴۹/۷۷
بیمه اجتماعی و درمانی	۱/۷۰۴	۱۰/۶۴۷	۶۰/۴۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای چرخش عاملی، از روش واریماکس استفاده شد. پس از مرحله چرخش، متغیرهای مربوط به هر عامل به صورت ستونی مشخص شدند. پس از پردازش متغیرهای نمایانگر راهکارهای افزایش توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی، نسبت به نام‌گذاری عامل‌های به دست آمده از تحلیل عاملی اقدام شد. در جدول ۳، هر کدام از عامل‌ها و متغیرهای مربوط بدان همراه با بار عاملی آن آمده است.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در مجموع، چهار عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد. عامل آموزشی- حمایتی با مقدار ویژه ۳/۶۶ و با واریانس ۲۲/۸۵ درصد، بیشترین نقش را در میان عوامل مؤثر در توانمندسازی شغلی زنان روستایی ایفا می‌کند. با توجه به مقدار بار عاملی متغیرهای وارد شده در این عامل، مشخص می‌شود که متغیرهای «تأسیس مراکز فنی و حرفه‌ای مخصوص زنان سرپرست خانوار» و «وجود بازار ویژه برای فروش محصولات زنان سرپرست خانوار» بیشترین نقش را در تشکیل این عامل داشتند. عامل دوم فردی- روان‌شناختی با مقدار ویژه ۲/۲۶ بود. متغیرهای «داشتن دید مثبت به توانایی‌های خود» و «تقویت اعتماد به نفس در زنان» دارای بیشترین بار عاملی در تشکیل این عامل بودند. چهار عامل مشخص شده به طور کلی و در مجموع، حدود ۶۰/۴۲ درصد از کل واریانس راهکارهای افزایش توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار روستایی را تبیین کردند.

جدول ۳- متغیرهای مربوط به هر کدام از عامل‌ها و بار عاملی به دست آمده

بار عاملی	عامل
۰/۷۵۷	تأسیس مراکز فنی و حرفه‌ای مخصوص زنان سرپرست خانوار
۰/۷۲۳	وجود بازار ویژه برای فروش محصولات زنان سرپرست خانوار
۰/۷۱۸	تأسیس تعاونی‌های زنان خوداشتغال برای زنان سرپرست خانوار
۰/۷۰۲	راه‌اندازی مراکز مشاوره شغلی برای زنان روستایی
۰/۶۳۴	معرفی مشاغل و کسب‌وکارهای مناسب و سودآور به زنان شرکت‌کننده در کلاس‌های ترویجی
۰/۶۱۳	در نظر گرفتن امتیازات رفاهی و آموزشی برای فرزندان زنان سرپرست خانوار (مثل اولویت در ثبت‌نام در مدارس نمونه، و سهمیه در دانشگاه)
۰/۵۷۷	خرید تضمینی محصولات زنان سرپرست خانوار از طرف دولت
۰/۸۴۳	داشتن دید مثبت به توانایی‌های خود
۰/۷۳۹	تقویت اعتماد به نفس در زنان
۰/۶۶۰	آموزش مهارت ارتباطی خوب
۰/۸۴۱	تأمین مسکن با قیمت مناسب برای زنان سرپرست خانوار از طرف دولت
۰/۶	تأمین ضمانت و وثیقه مورد نیاز زنان روستایی توسط نهادهای حمایتی
۰/۵۱۳	شرکت در دوره‌های آموزشی چگونگی راه‌اندازی کسب‌وکار
۰/۵۰۸	وام بدون بهره یا با بهره کم از بانک‌ها (دسترسی به منابع و اعتبارات مالی)
۰/۸۴۷	بیمه کردن زنان سرپرست خانوار (بیمه بازنشستگی)
۰/۸۲۷	بیمه کردن زنان سرپرست خانوار (بیمه درمانی)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد که میانگین سنی زنان سرپرست خانوار ۳۹/۹۸ سال بود و بیش از ۷۶ درصد آنها زیر ۴۶ سال سن داشتند. در پژوهش موسوی و مرتضی‌نیا (۱۳۸۸)، نیمی از زنان سرپرست خانوار زیر پنجاه سال، در پژوهش طباطبایی یحیی‌آبادی و حسینیان (۱۳۸۴)، ۴۱/۴۰ درصد زنان سرپرست بین ۳۹ تا ۴۸ سال سن داشتند. این یافته نشانگر

آن است که اغلب زنان مورد مطالعه در دوره سنی جوانی و میان‌سالی قرار دارند و نشانگر کم شدن سن سرپرستی توسط زنان روستایی بوده، که نگران‌کننده است. با توجه به نتایج، فوت همسر و طلاق دو علت اصلی سرپرست شدن زنان بود. دلیل عمده افزایش طلاق، اعتیاد همسر است، که باعث می‌شود زنان در سنین جوانی سرپرست خانوار شوند.

بر پایه نتایج تحلیل عاملی، عامل آموزشی - حمایتی بیشترین سهم را در میان راهکارهای تقویت توانمندی زنان روستایی دارد؛ این نتیجه با یافته‌های چرمچیان لنگرودی و علی‌بیگی (۱۳۹۲) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) هم‌خوانی دارد. آموزش‌های شغلی در کنار حمایت‌های مالی و مشاوره‌ای می‌تواند موجب شکوفا شدن توانایی‌ها، استعدادها و تجمیع سرمایه‌های زنان سرپرست خانوار از طریق تعاونی‌های خوداشتغال شده و منجر به بالا بردن انگیزه آنها برای کسب درآمد می‌شود. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار روستایی حمایت‌های خود را در قالب یک بسته مرتبط به هم شامل آموزش‌های شغلی، حمایت مالی راه‌اندازی شغل و مشاوره‌های حین اشتغال ارائه دهند. کمک به تشکیل تعاونی‌های اشتغال‌زای زنان روستایی از طریق اعطای تسهیلات بدین تعاونی‌ها با تسهیل در تشکیل و ثبت این تعاونی‌ها و همچنین، ارائه مشاوره‌های دوره‌ای بدین گروه‌ها می‌تواند راهگشا باشد.

وجود بازار ویژه برای فروش محصولات زنان سرپرست خانوار با نتایج شریفی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. وجود دلالتان و واسطه‌ها همواره موجب ضرر و زیان و کاهش سود فروش محصولات تولیدشده توسط زنان سرپرست بوده است. حذف این دلالتان و واسطه‌ها با ایجاد بازارچه‌ها یا بهابازارهای ویژه زنان سرپرست خانوار گامی مؤثر در توانمندی شغلی زنان سرپرست خانوار است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که با ایجاد بازارچه‌های مشترک بین چند روستا و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها، زمینه عرضه مستقیم محصولات زنان سرپرست خانوار از تولید به مصرف فراهم شود، که خود موجب افزایش حاشیه سود و متعاقباً موجب توانمندی بیشتر زنان

سرپرست خانوار روستایی می‌شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های متولی حمایت از زنان روستایی همچون واحد زنان روستایی جهاد کشاورزی و نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد امام خمینی، با تشویق و آموزش زنان روستایی به ارائه محصولات خود در بسته‌بندی‌های مناسب و اجتناب از فروش فله‌ای محصولات، به افزایش قابلیت بازاریابی آنها کمک کنند. در این راستا، ارائه تسهیلات و مشاوره‌های کاربردی برای تشکیل واحدهای بسته‌بندی مناسب می‌تواند مؤثر واقع شود.

نتایج نشان داد که یکی از عوامل راهکارهای تقویت توانمندی شغلی زنان روستایی بیمه اجتماعی و درمانی زنان روستایی سرپرست خانوار است. این یافته با نتایج شریفی و همکاران (۱۱۳۸۸) و قاسمی و خانی (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. نگرش نسبت به آتیه از مهم‌ترین عوامل پریشانی در بین زنان سرپرست خانوار است. بهره‌مندی از بیمه بازنشستگی باعث ایجاد امنیت خاطر و امنیت روانی زنان سرپرست خانوار نسبت به آینده و انتقال این آرامش به فضای خانوار می‌شود. همچنین، داشتن بیمه بازنشستگی می‌تواند در تأمین آتیه زنان سرپرست و در نتیجه، در توانمندی شغلی آنها بسیار مؤثر باشد. در حال حاضر، سازمان بهزیستی هزینه بیمه بازنشستگی زنان سرپرست عضو این نهاد را پرداخت می‌کند، که بیش از پنجاه درصد زنان سرپرست خانوار روستایی به دلایلی همچون عزت‌نفس حاضر به تحت پوشش قرار گرفتن در این نهاد نیستند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که تسهیلات پرداخت هزینه بیمه بازنشستگی به زنان سرپرست خانوار روستایی خارج از پوشش سازمان بهزیستی نیز تعلق گیرد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۵)، «نظر مدیران شهر شیراز درباره توانمندی مدیریتی زنان». *پژوهش زنان*، دوره ۴، شماره ۳، صص ۷۷-۹۶.
- اعظمی، امیر و سلامی، هادی (۱۳۹۰)، «تأملی بر راهکارهای توانمندسازی زنان پلیس». *توسعه انسانی پلیس*، سال ۸، شماره ۳۶، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- آیت، سیدسعید و اعظمیان، الهه (۱۳۹۰)، «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی». *روستا و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۳، صص ۱۵۱-۱۶۴.

چرمچیان لنگرودی، مهدی و علی بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی». *زن و جامعه*، سال ۴، شماره ۱. صص ۱۶۵-۱۹۲.

زمانی میاندشتی، ناصر؛ عطائی، پوریا؛ و ایزدی، نسیم (۱۳۹۱)، «بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی (مورد مطالعه: تعاونی زنان تیفهان شهرستان شیراز)». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۷۲.

شریفی، محمدامین؛ حسینی، سید محمود؛ و علی بیگی، امیرحسین (۱۳۸۸)، «عوامل تعیین‌کننده سطح توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در مناطق روستایی: مطالعه موردی استان کردستان». *روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۷۵-۹۵.

شعبانعلی فمی، حسین؛ قاسمی، جواد؛ چوپچیان، شهلا؛ و فیض‌الله‌زاده، سولماز (۱۳۸۸)، «امرار معاش پایدار، رویکردی نوین در فقرزدایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار». *دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست*، صص ۳۴۱-۳۶۵.

طباطبایی یحیی‌آبادی، شهناز و حسینیان، سیمین (۱۳۸۴)، «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی». *خانواده پژوهی*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۳۵۹-۳۶۸.

غفاری، غلام‌رضا؛ دارابی، حسین؛ و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸)، «مروری بر شاخص‌های توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار». *دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار*، صص ۳۱۹-۳۴۰.

فنی، زهره (۱۳۹۱)، «نقش توانمندسازی شغلی زنان در کارآفرینی و تولید ملی (با تأکید بر عملکرد سازمانی - اداری)». *مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و تولید ملی*، صص ۲۴۴-۲۵۸.

قاسمی، سمیه و خانی، فضیله (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر مسائل و نیازهای زنان سرپرست خانوار جهت توانمندسازی آنان (مطالعه موردی شهر تهران)». *دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار*، صص ۳۶۷-۳۹۰.

قلی‌پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸)، «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار». *رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۲۹-۶۲.

کلانتری، خلیل؛ شبانعلی فمی، حسین؛ و سروش‌مهر، هما (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان)». *توسعه روستایی*، دوره ۱، شماره ۲ (پیاپی ۳۷). صص ۱۰۷-۱۲۴.

کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار». *رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۶۳-۹۲.

- مرشدی، لاله و کاظمی، حسین (۱۳۹۲)، «نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مرودشت». *پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، شماره ۲۱، صص ۳۵-۴۵.
- موسوی، یعقوب و مرتضی‌نیا، نیره‌سادات (۱۳۸۸)، «مطالعه اجتماعی و تجربی نقش گروه‌های همیار در توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار، نمونه شهرستان تهران». *دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار*، صص ۴۷۳-۴۹۳.
- نجفی قرقانی، زیبا و حیاتی، داریوش (۱۳۸۸)، «بررسی کارکردهای شرکت تعاونی فرش دستباف در توانمندسازی زنان قالی‌باف (مطالعه موردی شهرستان فیروزآباد فارس)». *سومین کنگره علوم ترویج و توسعه کشاورزی*، صص ۱-۱۴.
- نیک‌نامی، مهرداد؛ بندرز، زینب؛ و ثمری، داود (۱۳۹۱)، «عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام». *تعاون و کشاورزی*، دوره جدید، سال ۲۳، شماره ۱۱، صص ۴۱-۵۹.
- Ashraf, Nava; Karlan, Dean; and Yin, Wesley (2010), "Female empowerment: impact of a commitment savings product in the Philippines". *World Development*, 38(3): 333-344.
- Parveen, Shahnaj and Leonhäuser, Ingrid-Ute (2004), "Empowerment of rural women in Bangladesh: a household Level analysis". *Conference on Rural Poverty Reduction through Research for Development and Transformation*, 5-7.
- Srivastava, Nisha and Srivastava, Ravi (2009), "Women, work, and employment outcomes in rural India". *Economic and Political Weekly*, 45(28): 49-63.